

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال پنجم، شماره بیستم، پائیز ۱۳۹۲

ص ص ۷۵-۵۵

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای نابهنجار:

مطالعه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اهر

نیر رستمی<sup>۱</sup>

دکتر فیروز راد<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۲/۱۳

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای نابهنجار انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اهر تشکیل می‌دهند که تعداد ۲۸۰ نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم انتخاب شده و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از تکنیک پرسشنامه گردآوری شده است.

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل‌های دو متغیره و چند متغیره، رابطه آماری معنی‌داری بین متغیرهای تعهد آموزشی، تعهد خانوادگی، صمیمت خانوادگی، داشتن همسالان منحرف، احساس تبعیض در مدرسه، محل سکونت، پایه تحصیلی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی والدین پاسخگویان با متغیر گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای نابهنجار وجود دارد. بر اساس ضرایب بتای استاندارد، متغیر تعهد آموزشی و تعهد خانوادگی بیشترین رابطه منفی را با متغیر گرایش به رفتارهای نابهنجار داشته‌اند، به طوری که روی هم رفته ۳۰ درصد از تغییرات متغیر ملاک را تبیین می‌کنند. در کل، حدود ۴۶ درصد از تغییرات متغیر گرایش به رفتارهای نابهنجار توسط متغیرهای مذکور قابل پیش‌بینی است.

**واژگان کلیدی:** گرایش به رفتارهای نابهنجار، تعهد آموزشی، تعهد خانوادگی، همسالان منحرف، پایگاه اجتماعی - اقتصادی.

۱. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز و عضو باشگاه پژوهشگران جوان، تبریز - ایران.

E-mail: rostamy200@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور؛ صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران - ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: rad\_291@yahoo.com

### مقدمه و بیان مسئله

انسان موجودی اجتماعی است که از لحظه تولد تا مرگ به دنبال همکاری با هموعان خود است. برآورده شدن نیارهای انسان از طریق زندگی اجتماعی و هم‌نوایی با دیگران مهیا می‌گردد. چون زندگی اجتماعی قراردادی است که انسان‌ها برای رسیدن به اهداف دور دست و کمال نهایی تشکیل می‌دهند. لذا جوامع انسانی به طور قابل ملاحظه‌ای دارای الگوهای خاصی برای برقراری روابط اجتماعی هستند که هم به بقای جامعه و هم به معنا بخشیدن به زندگی اجتماعی انسان‌ها کمک می‌کنند. زندگی اجتماعی انسان تحت حاکمیت یک سری قواعد و هنجارهای اجتماعی است. این هنجارها ممکن است در بین جوامع مختلف و از زمانی به زمان دیگر متفاوت باشد. ممکن است رفتارهایی در یک فرهنگ هنجار تلقی شود ولی در فرهنگ و جامعه‌ای دیگر ناهنجاری محسوب گردد. ولی آن‌چه مسلم است توجه به زمان و مکان در هر شرایطی در شناخت نوع هنجارهای اعمال شده در جامعه مورد نظر ضروری است.

اندیشمندان برای تشخیص ناهنجاری‌های اجتماعی و کجروی ملاک‌هایی را ذکر کرده‌اند: الف) ملاک آماری: یکی از متداول‌ترین روش برای تشخیص رفتار نابهنجار، روش توزیع فراوانی ویژگی‌های متوسط است که انحراف از آن، غیر عادی بودن رفتار را نشان می‌دهد. ب) ملاک اجتماعی: قالب‌ها و الگوهای موجود در جامعه، معیار تشخیص این نکته هستند که رفتار فرد تا چه حد با هنجارها، سنت‌ها و انتظارات جامعه مغایرت دارد و جامعه چگونه درباره او قضاوت می‌کند. ج) ملاک فردی: درجه ناراحتی و اختلالی که فرد احساس می‌کند (ستوده، ۱۳۷۶: ۳۳). بنابراین، «رفتار نرمال یا بهنجار هر نوع رفتاری است که از هنجارها یا مقررات گروهی که رفتار مزبور در آن روی می‌دهد تبعیت کند» (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۶: ۳۳). و رفتار نابهنجار، رفتاری است که به میزان قابل توجهی از یک معیار فرهنگی یا هنجار گروهی دور شده باشد (کریاسی، ۱۳۷۴).

دوره نوجوانی یک دوره بحرانی است و اگر عوامل مختلف تأثیرگذار نظیر والدین، محیط مدرسه، دوستان و در کل اجتماعی محیط مناسبی را برای هویت‌یابی، همانندسازی و جامعه‌پذیری این گروه به وجود نیاورد، آسیب‌پذیر شده و مستعد حرکت به سوی رفتارهای بزهکاری و خرابکاری خواهد شد. این-جاست که انجام رفتار بزهکارانه تبدیل به یک امر عادی خواهد شد و قبح آن از بین خواهد رفت (جمشیدی، ۱۳۸۰). کودکان و نوجوانان در سنین ۶-۱۸ سالگی به طور متوسط ۱۲۰۰۰ ساعت را در مدرسه می‌گذرانند. پس از خانواده، مدارس کانون اصلی زندگی به شمار می‌روند و فعالیت‌های مدارس در زندگی این گروه سنی به صورت فعالیت اصلی در می‌آیند. امروزه به لحاظ تربیتی روشن شده است که مدرسه شکل‌دهنده ساختارهای روانی و شخصیتی دانش‌آموزان است. مدرسه محیطی است که دانش‌آموزان در آن جا شایستگی، شکست، موفقیت، محبوبیت، انزوا، طرد و غیره را تجربه می‌کنند (عباسی‌اول، ۱۳۹۱).

مجموعه قوانین و مقرراتی که نهادهای اجتماعی برای هنجارپذیری افراد خود تعبیه نموده‌اند بایستی رعایت شود. چون تخطی از آن‌ها موجبات مجازات و یا طرد را به دنبال خواهد داشت. مسلماً، نظارت کنندگان بر رفتار دانش‌آموزان در واحدهای آموزشی، معلمان مدرسه و بیرون از مدرسه والدین هستند. اگر خانواده و مدرسه در امر جامعه‌پذیری نوجوان و جوانان کوشا باشند و هنجارهای اجتماعی را در آن‌ها درونی کنند کمتر به انجام رفتارهای ناهنجار روی می‌آورند. چه بسا نظارت و کنترل والدین بعد از خروج فرزندان از خانه و یا میزان نظارت اولیاء مدرسه در خارج از محیط آموزشی کم‌رنگ باشد، ولی اگر هنجارها در نوجوانان درونی شده باشند کمتر احتمال ارتکاب رفتارهای انحرافی در آن‌ها دیده می‌شود.

«هرچند همه رفتارهای ناهنجار دانش‌آموزان در مدارس جزو بزهکاری شمرده نمی‌شود، ولی باید دانست که برخی از این اعمال ناهنجار مقدمه بزهکاری‌های بعدی به شمار می‌آیند. به همین دلیل مراقبت از دانش‌آموزان در تشخیص رفتارهای ناهنجار آن‌ها و ارشاد و راهنمایی ایشان یکی از مهم‌ترین مسائل تربیتی است و هیچ‌کس به اندازه عوامل اجرایی مدارس و معلمان صلاحیت تشخیص ناهنجاری را ندارند. زیرا در شرایط فعالیت دسته جمعی بین همسالان است که در دانش‌آموزان واقعیت وجود خود را برملا می‌سازند» (شیخاوندی، ۱۳۸۴: ۳۷۲). رفتارهای مغایر با عرف در بین نوجوانان در محیط خانه و فضای آموزشی شاید در مرحله اول چندان دغدغه‌ای برای خانواده‌ها به همراه نداشته باشد ولی بعد از جدایی مکانی بین فرزندان و والدین، آن‌ها تازه متوجه کم‌کاری و ندانم‌کاری‌های خود می‌شوند. لذا شناخت انواع ناهنجاری‌های رفتاری زمینه‌ساز انحرافات بعدی، هم برای اولیاء مدارس و هم برای خانواده‌ها در دوره دبیرستان حائز اهمیت است. چون بهترین و اساسی‌ترین برنامه‌های تربیتی را می‌توانند روی فرزندان‌شان اعمال کنند. بنابراین انجام این پژوهش از دوجنبه نظری و عملی حائز اهمیت است. بُعد نظری مربوط به شناخت میزان گرایش به رفتارهای ناهنجار و انواع آن که جهت آگاهی دادن به خانواده‌ها و مدارس الزامی است و بُعد عملی آن ارائه راهکارهای کاربردی جهت پیشگیری از وقوع این نوع رفتارها در بین دانش‌آموزان اهمیت اساسی دارد. از این رو تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به این سؤالات است که؛ میزان گرایش به رفتارهای ناهنجار دانش‌آموزان شهر اهر چه قدر است؟ عوامل اجتماعی زمینه‌ساز گرایش به رفتارهای ناهنجار دانش‌آموزان کدامند؟ و از بین این عوامل کدامیک تبیین‌کننده بهتری برای تغییرات واریانس متغیر ملاک محسوب می‌شود؟

#### پیشینه نظری و تجربی

##### نظریه بی‌هنجاری امیل دورکیم

مفاهیم آغازین الگوی بی‌هنجاری در تبیین رفتار انحرافی را به طور کلی می‌توان در دیدگاه‌های دورکیم در زمینه نیاز به محافظت از پیوندهای اخلاقی بین اشخاص در جامعه دید. ایده اصلی دورکیم در این زمینه آن بود که زندگی بدون وجود الزام‌های اخلاقی یا ضرورت‌های اجتماعی، تحمل‌ناپذیر می‌-

شود و سرانجام به شکل‌گیری پدیده "آنومی" یعنی نوعی احساس بی‌هنجاری می‌انجامد که اغلب مقدمه‌ای برای دست یازیدن افراد به خودکشی و رفتار انحرافی نیز می‌شود. در نگاه دورکیم، بی‌هنجاری در شرایطی پدید می‌آید که در حوزه‌های معینی از زندگی اجتماعی، معیارهای روشنی برای راهنمایی رفتار وجود نداشته باشد (کوزر، ۱۳۷۰: ۱۹۲-۱۹۱). به اعتقاد دورکیم، علت آشکار تحقق آنومی، تحولات شتابزده اقتصاد است و این به آن دلیل است که این تحولات، نوعی بحران را در نظام ارزشی و هنجاری جامعه در پی می‌آورد، نه به این دلیل که تولید فقر می‌کند. چون به نظر او پدیده فقر، بدون دخالت متغیرهای دیگر، بیشتر نقش نوعی عامل ثبات بخش را در جامعه ایفا می‌کند (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۷).

#### مرتن و فرصت‌های مشروع افتراقی

به نظر مرتون، ساخت اجتماعی در مراحل خاص، شرایطی فراهم می‌کند که شکستن قواعد حقوقی پاسخی طبیعی محسوب می‌شود. در میان عناصر تشکیل دهنده ساخت اجتماعی، مرتون دو عنصر را از لحاظ کژرفتاری مهم‌تر می‌شمارد: (۱) هدف، (۲) راه‌های مجاز (سخت‌اوت، ۱۳۸۵). رابرت مرتن بر این باور است که جامعه فرد را به کجرفتاری مجبور می‌کند. به بیان او کجرفتاری حاصل فشارهای ساختاری و اجتماعی خاصی است که افراد را به انجام آن وا می‌دارد. مرتن فشار را ناشی از عدم توانایی شخص در دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی دانسته است (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۶: ۴۵). طبق این نظریه، تخلف شکلی از راه حل جمعی اتخاذ شده به وسیله طبقات پایین است که از سرخوردگی ناشی می‌شود و سرخوردگی نیز معلول فقدان فرصت‌ها برای پیشرفت است (مساواتی‌آذر، ۱۳۷۴: ۲۶).

#### نظریه ناکامی منزلتی<sup>۱</sup> کوهن

مطابق دیدگاه آلبرت کوهن<sup>۲</sup>، گسترش خرده فرهنگ بزهکار نتیجه شرایط اجتماعی و خانوادگی است که در محله‌های فقیرنشین و آلوده وجود دارد و کودکانی که در این مناطق بزرگ می‌شوند، این شرایط را تجربه می‌کنند. بزهکاری محصول دنیای ذاتی طبقاتی نیست بلکه بیشتر نتیجه محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی است که اعضای گروه دنیایگان آن‌ها را متحمل می‌شوند. کوهن با تفصیل استدلال می‌کند که خانواده‌های طبقه پایین نمی‌توانند شیوه‌های مناسب جامعه‌پذیری را برای ورود فرزندان‌شان به فرهنگ مسلط طبقه متوسط به کار ببرند. خانواده‌های طبقه پایین که برای همیشه از شیوه‌های طبقه متوسط فاصله گرفته‌اند، فرزندان تربیت می‌کنند که مهارت‌های اساسی ضروری برای کسب موفقیت اقتصادی و اجتماعی در جامعه پرتوقع ما را ندارند (سیگل و سنا<sup>۳</sup>، ۱۳۸۱). اما نظریه فرآیند

1. Status Frustration

2. Albert Cohen

3. Sigel & Sana

اجتماعی، بزهکاری را براساس طبقه اجتماعی پایین تبیین نمی‌کنند، بلکه بزهکاری را تابعی از جامعه-پذیری افراد می‌دانند. این نظریه‌ها به تعامل افراد با سازمان‌های مختلف نهادها و فرایندهای اجتماعی توجه می‌کنند. بسیاری از افراد تحت تأثیر روابط خانوادگی، روابط با همسالان، تجارب تحصیلی و تعامل با اشخاص مختلف مانند معلمان و دیگر افراد اجتماع هستند. اگر این روابط مثبت و حمایتی باشد، فرد می‌تواند نقش‌های خود را در جامعه بخوبی ایفا کند. اما اگر این روابط مخرب باشد، دسترسی به موفقیت-های مورد نظر امکان‌پذیر نخواهد بود و راه‌حل‌های بزهکارانه جایگزین‌های عملی می‌شوند (سیگل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰: ۲۲۴). مطابق نظریه‌های فشار عمومی، افراد متعلق به پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین بیشتر در معرض انحرافات اجتماعی هستند. چون مسیرهای مجاز برای رسیدن به اهداف دور دست را ندارند و برای دستیابی به آن از راه‌های غیرمجاز استفاده می‌کنند. از سوی دیگر اعتقاد بر این است که والدین طبقات پایین در شیوه جامعه‌پذیری فرزندان‌شان دچار مشکل هستند و این فرزندان در محیط اجتماعی احساس سرخوردگی می‌کنند. مطالعات بسیاری (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۲؛ فتح‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۱، علمی و تیغ‌زن، ۱۳۸۷؛ کرسول<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵؛ بال<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵) رابطه بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و میزان پای‌بندی به هنجارهای اجتماعی را با میزان و نوع هنجارشکنی نوجوانان مورد بررسی قرار داده‌اند.

### نظریه کنترل اجتماعی هیرشی

در این رابطه هیرشی نظریه کنترل اجتماعی را مطرح می‌کند. بر اساس این نظریه، کجروی و انحراف ناشی از گسستگی تعلق فرد به جامعه است که بر اثر کنترل و نظارت به وجود می‌آید (ستوده، ۱۳۸۰: ۱۳۴). براساس تئوری هیرشی پیوند فرد با جامعه است که مهم‌ترین متغیر هم‌نوا بودن یا هم‌نوا نبودن فرد است. بحث اصلی نظریه هیرشی این است که افراد به دنبال تأیید و تطبیق هستند. زیرا، آن‌ها دارای پیوندهای قوی با والدین‌شان هستند که به دنبال فعالیت‌های متعارف و پیرو هنجارهای اجتماعی می‌باشند. از نظر وی پیوند بین والدین و فرزندان بهترین و تقویت آن مهم‌ترین عامل در تعیین رفتار بزهکارانه است. تأکید این نظریه بر کیفیت پیوندهاست نه کمیت (لیبر و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸). اهمیت این نظریه ریشه در ارتباط مفهومی فرد و نهادهای اجتماعی دارد. البته این نظریه ابتدا برای درک ویژگی‌های نوجوانان بزهکار گرفته شد (بوت و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸) از نگاه هیرشی کجرفتاری و ناهنجاری زمانی اتفاق می‌افتد که پیوند فرد با جامعه تضعیف شده یا بطور کلی از بین برود. وی این قیود را تحت چهار مفهوم وابستگی<sup>۶</sup>،

1. Sigel

2. Carswell

3. Ball

4. Leiber & et al

5. Booth et al

6. Attachment

تعهد<sup>۱</sup>، درگیری<sup>۲</sup> و باور<sup>۳</sup> خلاصه می‌کند(احمدی، ۱۳۸۴: ۹۰؛ ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

هیرشی فرضیاتی بر اساس نظریه کنترل اجتماعی به شرح زیر مطرح می‌کند:

۱. بزهکاران به احتمال بسیار کمی تعلقات خاطر نزدیکی، نسبت به والدین‌شان دارند.
۲. دانش‌آموزانی که تعلقات خاطر بالایی نسبت به مدرسه دارند احتمال کمتری می‌رود که به رفتار بزهکارانه مبادرت ورزند.
۳. دانش‌آموزانی که در خانواده‌های متلاشی شده زندگی می‌کنند، گرایش بیشتری به رفتارهای بزهکارانه دارند.
۴. دانش‌آموزانی که به عللی مدرسه را دوست ندارند و تعلقات خاطر ضعیفی نسبت به والدین‌شان دارند و در نتیجه گرایش بیشتری به رفتار بزهکارانه دارند.

تحقیقات هیرشی به این نتیجه‌گیری منتهی شد که تغییرات و پیوندهای استوار فرزندان با خانواده رابطه‌ای معکوس با بزهکاری جوانان دارد(احمدی، ۱۳۸۲: ۸۹).

از طرف دیگر نای<sup>۴</sup> معتقد است خانواده از طریق چهار عامل به تقویت پیوند اجتماعی نوجوانان و جامعه و در نتیجه کاهش رفتارهای انحرافی می‌پردازد: اولین عامل نظارت یا کنترل درونی است. به این طریق که خانواده به ایجاد وجدان یعنی درونی کردن هنجارها، ارزش‌ها و نیز احساس شرم و گناه به صورت ارتکاب به کجرفتاری می‌پردازد. دومین عامل نظارت غیرمستقیم است و به این صورت شکل می‌گیرد که نوجوان به دلیل بستگی و وابستگی عاطفی که به خانواده خود دارد مطابق با میل آن‌ها رفتار کند و کاری نکند که باعث رنجش و ناراحتی آن‌ها شود. بنابراین طبق نظر نای، نوجوانانی که به والدین و خانواده خود وابستگی بیشتری دارند کمتر به رفتارهای انحرافی از جمله خشونت روی می‌آورند. عامل سوم نظارت مستقیم، تنبیه و محدودیت مستقیم از جانب خانواده است. چهارمین عامل از نظر نای نقش خانواده در ارضای نیازها و توانایی خانواده در تأمین زندگی و فراهم کردن امکانات موفقیت در آینده برای نوجوانان است. خانواده‌هایی که در انجام این امر توانایی کمتری دارند کمتر می‌توانند از نوجوانان خود انتظار هم‌نوایی داشته باشند(ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۳-۱۲۱). در مطالعات پیشین که نظریه پیوند اجتماعی هیرشی را رویکرد نظری خود قرار داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که عواملی هم‌چون داشتن روابط مطلوب در محیط مدرسه (سخت، ۱۳۸۱)، تعهدهای آموزشی و خانوادگی(فتح‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۱)، تعلق به مدرسه، تعهد

1. Commitment

2. Involvement

3. Belief

4. Nye

و تعلق به خانواده (آزاده، ۱۳۸۹)، تعهد به مدرسه (جنکینز<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷) و ضعف تعهد آموزشی (هنگ و وینگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳) بر میزان ناهنجاری‌های رفتاری نوجوانان و دانش‌آموزان مؤثر بوده است.

### نظریه پیوند افتراقی ساترلند

یکی دیگر از مشهورترین نظریه‌های جامعه‌پذیری یا یادگیری درمباحث کجرفتاری اجتماعی، نظریه پیوند افتراقی ادوین ساترلند<sup>۳</sup> است. نکته اصلی نظریه ساترلند این است که افراد به این علت کجرفتار می‌شوند که تعداد تماس‌های انحرافی آنان بیش از تماس‌های غیرانحرافی‌شان است. نظریه انتقال فرهنگی بر این نکته تأکید دارد که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با دوستان ناباب آموخته می‌شود. در واقع فرایند یادگیری رفتار انحرافی به وسیله دوستان فرد مجرم تعیین می‌شود (ستوده، ۱۳۷۶: ۱۳۱). «ادوین ساترلند جرم را به آن چه که تفاوت ارتباطات نامیده است مربوط می‌داند. وی به یادگیری اهمیت خاصی می‌دهد و معتقد است که در جریان رشد، فرد درست رفتاری، کجرفتاری و انگیزه عمل به رفتار را یاد می‌گیرد. وی بیشترین سهم یادگیری را به گروه‌های نخستین و خانواده می‌دهد» (گیدنز، ۱۳۷۴: ۱۴۰). خلاصه‌ای از رویکرد ساترلند به مسأله کجرفتاری به شرح زیر است: عمل مجرمانه آموختنی است نه موروثی، آموزش از طریق ارتباط فرد با سایر افراد انجام می‌گیرد، بخش اعظم آموزش رفتار بزهکارانه در گروه‌های نزدیک که با فرد روابط صمیمانه دارند انجام می‌گیرد، آموزش عمل مجرمانه مراحل مختلفی دارد، کسب انگیزه‌ها و میل به ابزار کشش‌های درونی آموختنی است، زمانی فرد به عمل بزهکارانه دست می‌زند که آمیزش او با کسانی که موافق شکستن قاعده‌اند، بیشتر از کسانی باشد که با شکستن قاعده مخالفند، ارتباطات گوناگونی که فرد با دیگران دارد از لحاظ فراوانی، تداوم، تقدم سن و شدت یکسان نیستند، فرآیند کسب رفتار مجرمانه همان مکانیزمی را طی می‌کند که در یادگیری سایر رفتارهای اجتماعی مشاهده می‌شود، رفتار بزهکارانه نیازها و ارزش‌های کلی و عام شخص را بیان می‌کند (سلیمی و دیگری، ۱۳۸۵: سخاوت، ۱۳۸۵).

نتایج بسیاری از مطالعات (اگنیو، ۱۹۹۲؛ حیدری چروده، ۱۳۸۳ و آقازاده، ۱۳۸۹) نشان داده است که فشار دوستان بزهکار، معاشرت با دوستان بزهکار و مدت زمان صرف شده با دوستان بزهکار و همچنین الگوهای رفتاری بزهکارانه ارائه شده توسط بزهکاران مخصوصاً دوستانی که دارای رفتار بزهکارانه شدید هستند، متغیرهایی هستند که در تعامل با یکدیگر جوانان را به سمت بزهکاری تشویق می‌کنند و همبستگی معنی‌داری بین مجموعه متغیرهای مذکور با رفتار بزهکارانه جوانان به دست آمده است. براساس نتایج حاصل از مطالعات و نظریه‌های مطرح شده عمده‌ترین متغیرهای مؤثر بر گرایش به رفتارهای ناهنجار و بزهکاری دانش‌آموزان و نوجوانان را می‌توان در پایگاه اجتماعی - اقتصادی، تعهدات

1. Jenkins

2. Heng & Wing

3. Differential Association theory of Sutherland

خانوادگی و آموزشگاهی، ارتباط و صمیمیت خانوادگی، احساس محرومیت یا احساس تبعیض در مدرسه و معاشرت با همسالان منحرف‌خلاقه نمود. بدین ترتیب فرضیه‌هایی ناظر بر روابط بین متغیرهای مستخرج از مبانی نظری به شکل ذیل تدوین می‌گردد.

### فرضیه‌های تحقیق

۱. بین سن و میزان گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای نابهنجار رابطه وجود دارد.
۲. بین عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و گرایش آنان به رفتارهای نابهنجار رابطه وجود دارد.
۳. بین میزان تعهد خانوادگی و میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۴. بین میزان تعهد آموزشگاهی و میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۵. بین میزان صمیمیت خانوادگی و میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۶. بین میزان احساس تبعیض در مدرسه و میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار آنان رابطه وجود دارد.
۷. میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار بر حسب داشتن یا نداشتن دوستان کج‌رو متفاوت است.
۸. میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار بر حسب برخی متغیرهای زمینه‌ای هم‌چون پایگاه اجتماعی-اقتصادی، محل سکونت، پایه و رشته تحصیلی متفاوت است.

### روش تحقیق

روش به کار گرفته شده جهت انجام پژوهش حاضر از نوع پیمایشی است. به لحاظ ژرفایی، پهنانگر و به لحاظ زمانی از نوع مقطعی است. جامعه آماری تحقیق را کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اهر، به تعداد ۲۲۱۰ نفر تشکیل می‌دهد که از این تعداد، ۲۸۵ نفر از طریق فرمول کوکران و به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم به عنوان نمونه نهایی انتخاب شده‌اند. گردآوری اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه محقق ساخته انجام گرفته است.

### متغیرهای تحقیق

#### متغیر وابسته

متغیرگرایش به رفتارهای نابهنجار، متغیر وابسته تحقیق است که با چهار بعد (خشونت و درگیری، دزدی و تقلب، روحیه وندالیستی و تمرد و سرکشی) و ۱۹ گویه مشخص شده است. جهت تعیین اعتبار<sup>۱</sup> ابزار اندازه‌گیری، از اعتبار صوری (استاد راهنما و دیگر اساتید دانشگاهی فعال در حوزه مورد مطالعه) و اعتبار سازه‌ای بهره گرفته شده است. بنابراین به منظور تفکیک و دسته‌بندی گویه‌های تشکیل دهنده این متغیر، از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی<sup>۲</sup> تکنیک تحلیل عاملی<sup>۱</sup> استفاده شده است. برای به حداقل

1. Validity

2. Principal Components Analysis



رساندن تعداد گویه‌هایی که روی یک عامل بار می‌شوند، از چرخش واریماکس<sup>۳</sup> استفاده شده است. طبق اطلاعات مندرج در جدول (۱) مقدار  $KMO^2=0/815$  تحلیلی عاملی متغیرگرایش به رفتارهای نابهنجار، نشان دهنده بالا بودن کفایت نمونه است. بنابراین تعداد نمونه‌ها از قابلیت لازم برای تحلیلی عاملی برخوردارند. مقدار کرویت بارتلت نیز برابر با  $Bts^4=1459/55$ ، با سطح معنی‌داری  $Sig=0/000$  به دست آمده است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که تفکیک عامل‌ها به درستی انجام گرفته است. جهت سنجش پایایی<sup>۵</sup> مقیاس‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شده است. پایایی متغیر گرایش به رفتارهای نابهنجار برابر  $0/848$  برآورد شده است. براساس مقادیر آلفای به‌دست آمده برای هر کدام از ابعاد چهارگانه، می‌توان گفت که گویه‌های مندرج در هر عامل، همبستگی ریشه‌ای بالایی با همدیگر دارند.

جدول شماره (۱): ماتریس چرخشی یافته ابعاد گرایش به رفتارهای نابهنجار

گویه‌ها	روحیه و نندالیستی	خشونت و درگیری	دزدی و تقلب	تمرد و سرکشی	پایایی
۱. برهم زدن نظم کلاس	۰/۵۵۲				
۲. سر به سر دوستان گذاشتن	۰/۶۲۶				۰/۶۳۸
۳. نقاشی کشیدن بر در و دیوار مدرسه	۰/۷۲۶				
۴. یادگاری نوشتن بر تخته درختان مدرسه	۰/۶۲۵				
۵. بگو مگو داشتن با دیگران		۰/۷۴۶			
۶. فحش و ناسزا گفتن		۰/۷۶۸			۰/۶۹۱
۷. رودرروی والدین ایستادن		۰/۵۸۰			
۸. تقلب در امتحان			۰/۷۲۸		
۹. بردن وسایل مدرسه به خانه			۰/۸۳۶		۰/۶۱۷
۱۰. برداشتن پول از جیب پدر و مادر			۰/۷۲۳		
۱۱. برداشتن وسایل دوستان			۰/۶۱۱		
۱۲. خارج شدن از مدرسه بدون اطلاع اولیاء مدرسه				۰/۶۳۸	
۱۳. ترک منزل بدون اطلاع والدین				۰/۶۰۸	
۱۴. بی‌احترامی به معلمان و کارکنان مدرسه				۰/۷۳۰	
۱۵. تماشای فیلم‌های مبتذل				۰/۶۷۵	۰/۷۱۷
۱۶. فرستادن پیامک‌های غیراخلاقی به دوستان				۰/۵۶۳	
۱۷. آرایش کردن موقع بیرون رفتن از منزل				۰/۵۳۷	
۱۸. نادیده گرفتن قوانین مدرسه				۰/۷۵۸	
۱۹. تأخیر در ورود به مدرسه				۰/۷۷۰	

$$KMO = 0/815, sig = 0/000, df = 496, Bts = 1459/55, \alpha = 0/848$$

3. Factor Analysis

1. Varimax Rotation

2. Kaiser- Meyer- Olkin Measure Of Sampling

3. Bartlett's Test of Sphericity

4. Reliability

### متغیرهای مستقل

سن، پایه تحصیلی، رشته تحصیلی، وضعیت تحصیلی دانش‌آموز (معدل کتبی)، بعد خانوار (تعداد اعضای خانواده که با هم زندگی می‌کنند)، داشتن دوستان کجرو در مدرسه که خلاف مقررات مدرسه عمل می‌کنند و محل سکونت پاسخگویان.

پایگاه اجتماعی - اقتصادی: این مفهوم با شاخص‌های تحصیلات والدین، شغل والدین و میزان درآمد ماهیانه خانوار عملیاتی شده است.

تعهد آموزشگاهی: جهت سنجش این مفهوم از گویه‌هایی استفاده شده است که با مقیاس لیکرت و از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف تنظیم یافته است. گویه‌ها عبارتند از: تلاش برای کسب نمره بهتر، رعایت اصول و ارزش‌های حاکم بر مدرسه، پشتکار و به موقع انجام دادن تکالیف مدرسه.

تعهد خانوادگی: تلاش در جهت رفع مشکلات خانوادگی، طفره رفتن از زیر بار مسئولیت و رعایت حقوق اعضای خانواده گویه‌هایی هستند که برای سنجش مفهوم تعهد خانوادگی انتخاب شده‌اند. این گویه‌ها هم در مقیاس لیکرت تنظیم یافته‌اند.

احساس تبعیض در مدرسه: گویه‌های غیراصولی و غیرعادلانه دانستن قواعد حاکم بر مدرسه در قبال دانش‌آموزان، مورد توجه قرار گرفتن دانش‌آموزان دارای والدین سرشناس و اعتقاد تضمین موفقیت دانش‌آموزانی که معلمان و کارکنان مدرسه به آن‌ها اهمیت می‌دهند، گویه‌هایی هستند که با گزینه‌های کاملاً موافق تا کاملاً مخالف مشخص شده‌اند.

صمیمیت خانوادگی: الگو قراردادن والدین، حمایت اعضای خانواده از هم در زمان مواجهه با مشکل، نظرخواهی از همدیگر در زمان تصمیم‌گیری در امور مربوط به خانواده و مشورت کردن با والدین گویه‌هایی هستند که برای سنجش مفهوم صمیمیت خانوادگی در نظر گرفته شده‌اند. این گویه‌ها در قالب طیف لیکرت و از کاملاً موافق تا کاملاً موافق تنظیم یافته‌اند.

### یافته‌ها

#### ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

طبق یافته‌ها، محل سکونت ۸۵٪ پاسخگویان شهر و ۱۵٪ روستا گزارش شده است. میانگین سن پاسخگویان تقریباً ۱۶ برآورد شده است که باتوجه به ماکزیمم (۱۹ سال) و مینیمم (۱۴ سال)، بیشترین پاسخگویان در سنین کمتر از میانگین قرار گرفته‌اند. ۳۴٪ دانش‌آموزان مورد مطالعه در پایه اول و رشته عمومی نظری، ۳۰/۲٪ در پایه دوم (۶٪ در رشته ریاضی، ۱۷/۵٪ در رشته تجربی و ۶/۷٪ در رشته انسانی)، ۲۲/۸٪ در پایه سوم (۹/۱٪ در رشته تجربی، ۵/۳٪ در رشته انسانی و ۸/۴٪ در رشته کار و دانش) و ۱۳٪ دانش‌آموزان در پایه چهارم (۸/۴٪ در رشته تجربی و ۴/۶٪ در رشته انسانی) تحصیل می‌کنند. به لحاظ

وضعیت تحصیلی، حدود ۵۰٪ پاسخگویان بالاتر از نمره میانگین (۱۷/۷۹) قرار گرفته‌اند. طبق نتایج به دست آمده، نزدیک به ۶۰٪ دانش‌آموزان دارای والدینی با تحصیلات کمتر از متوسطه و دیپلم هستند. به لحاظ شغلی، شغل کارمندی در نوع شغل پدر کمترین نسبت (۲۶٪) را به خود اختصاص داده است و شغل خانه‌داری در نوع شغل مادر با ۸۳٪ در رتبه اول قرار گرفته است. از لحاظ میزان درآمد خانوار هم، میزان کمتر از یک میلیون تومان، با ۴۵٪ بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. بدین ترتیب، تقریباً ۶۰٪ دانش‌آموزان متعلق به پایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین هستند.

### توصیف گویه‌های تشکیل‌دهنده متغیر گرایش به رفتارهای ناپه‌نچار

جدول شماره (۲) نشان دهنده توزیع فراوانی نسبی پاسخگویان در گویه‌های شکل دهنده متغیر گرایش به رفتار- های ناپه‌نچار است که در قالب مقیاس شش‌درجه‌ای لیکرت تنظیم یافته است. توزیع درصدی گویه‌ها نشان می‌دهد که ۴۶٪ دانش‌آموزان با انتخاب گزینه‌های کاملاً موافقم، موافقم و تا حدودی موافقم اظهار نموده‌اند که اغلب در مدرسه با دوستان خود بگو مگو دارند و ۳۰٪ از این که سر به سر دوستان خود بگذارند اظهار خوشحالی کرده‌اند. گویه‌های رو در روی والدین ایستادن با (۲۳٪)، فحش و ناسزا گفتن موقع عصبانیت (۲۲/۴٪)، آرایش کردن موقع بیرون رفتن از خانه (۲۳/۴٪) و بی‌احترامی به معلمان (۱۵٪) در مقایسه با سایر گویه‌ها، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. هم‌چنین مقایسه میانگین گویه‌های مذکور نسبت به سایر گویه‌ها بیشتر است. به طور کلی مقایسه توزیع نسبی پاسخگویان در گویه‌های این متغیر نشان دهنده آن است که بیشتر پاسخگویان با انتخاب گزینه‌های کاملاً مخالفم، مخالف و تا حدودی مخالفم گرایش کمتر خود را به انجام رفتارهای ناپه‌نچار اظهار نموده‌اند. کمترین و بیشترین نمره مشاهده شده (به ترتیب، ۱۹ و ۹۵) متغیر گرایش به رفتارهای ناپه‌نچار و میانگین آن (۳۴/۸) نشان دهنده این است که میزان گرایش به رفتارهای ناپه‌نچار در بین دانش‌آموزان مورد مطالعه متوسط به طرف پایین بوده است.

جدول شماره (۲): توزیع فراوانی گویه‌های گرایش به رفتارهای ناپه‌نچار

گویه‌ها	کلاس مخالفم	موافقم	تاحدودی موافقم	تاحدودی مخالفم	مخالفم	کلاس مخالفم	میانگین
سر به سر دوستان گذاشتن	۱۳۲	۷۷۵	۹۶۲	۹۶۸	۱۵۳۸	۴۴۷	۲۶۵۸۶
نقاشی کشیدن بر در و دیوار مدرسه	۵۸۸	۳۷۴	۵۶۱	۳۶۱	۷۲۹	۷۲۹	۱۶۷۵۰
یادگیری نوشتن پر تنه درختان مدرسه	۳۲۷	۳۷۴	۴۶۱	۲۶۷	۷۲۹	۷۲۹	۱۶۵۶۱
برهم زدن نظم کلاس	۳۶۱	۶۷۷	۶۶۱	۶۶۱	۱۴۶۲	۷۲۹	۱۶۱۵۴
رو در روی والدین ایستادن	۵۶۱	۶۶۱	۱۱۶۸	۷۲۸	۱۶۳۹	۵۲۲	۲۶۱۸۹
فحش و ناسزا گفتن	۷۷۸	۴۷۴	۱۱۶۲	۸۶۱	۲۰۶۱	۴۸۶	۲۶۲۸۰
بگو مگو داشتن با دیگران در مدرسه	۱۲۷۲	۱۴۶۸	۱۹۶۰	۱۰۶۵	۱۹۶۳	۲۴۷۴	۳۶۱۶۴
تقلب کردن در لیبختان	۴۶۷	۳۷۴	۸۷۵	۶۷۴	۱۰۶۲	۶۷۸	۱۶۸۸۰
برداشتن وسایل دوستان	-	۶۷۴	۶۷۴	۰۲۳	۹۱۶۲	۹۱۶۲	۱۶۸۲۲
برداشتن پول از جیب پدر و مادر بدون اطلاع آنان	۶۶۷	۶۶۷	۱۶۷۴	۲۷۴	۸۷۷۸	۸۷۷۸	۱۶۳۳۸
بردن وسایل از مدرسه به خانه	۲۶۱	۳۶۱	۵۶۴	۵۶۴	۷۲۵	۷۲۳	۱۶۵۸۹
خارج شدن از مدرسه بدون اطلاع اولیاء مدرسه	۲۶۱	۳۶۱	۵۶۴	۵۶۴	۷۲۵	۷۲۳	۱۶۱۸۲
ترک منزل بدون اطلاع والدین	۶۶۰	۱۶۷۷	۱۶۷۷	۱۶۰	۸۷۵	۸۵۶	۱۶۳۳۳
بی‌احترامی به معلمان و کارکنان مدرسه	۳۶۷	۱۶۷۷	۹۶۵	۷۶۱	۲۲۷۴	۵۵۶	۱۶۹۶۶
ارسال پلنگ‌های غرض‌آلود به دوستان	۵۶۱	۶۶۰	۸۶۱	۵۶۱	۱۷۲۳	۶۲۷۴	۱۶۸۵۹
نادیده گرفتن قوانین مدرسه	۵۶۸	۱۶۷۷	۳۶۷	۱۱۶۹	۱۹۶۳	۵۷۶	۱۶۹۰۸
آرایش کردن موقع بیرون رفتن از خانه	۵۶۸	۱۱۶۵	۹۶۵	۶۶۹	۵۲۲	۵۲۲	۲۶۱۴۷
غیبت کردن از مدرسه	۳۶۱	۳۶۱	۴۶۱	۳۶۱	۳۶۶	۵۹۶۷	۱۶۳۶۸
نمایش فیلم‌های غرض‌آلود	۴۶۱	۳۶۷	۶۷۴	۶۷۸	۱۸۶۳	۶۰۶۷	۱۶۸۴۹

### تحلیل یافته‌ها

جداول شماره (۲) و (۳) نمایی کلی از نتایج آزمون‌های دومتغیره روابط بین برخی از متغیرهای زمینه‌ای و اجتماعی هم‌چون سن، محل سکونت، پایه تحصیلی، رشته تحصیلی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، بعد خانوار و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را با میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار (کل و شاخص‌های آن) نشان می‌دهد. رابطه بین سن با گرایش به خشونت و درگیری نشان دهنده آن است که همبستگی آماری معنی‌دار و منفی بین این دو متغیر وجود دارد. بدین معنی که با افزایش سن از میزان گرایش دانش‌آموزان به خشونت و درگیری کاسته می‌شود. این درحالی است که بین عملکرد تحصیلی، بعدخانوار و پایه تحصیلی دانش‌آموزان با گرایش آنان به رفتارهای نابهنجار هیچ رابطه آماری معنی‌داری مشاهده نشد (جدول شماره ۳). براساس نتایج برآمده از تحلیل واریانس یکطرفه، رشته تحصیلی دانش‌آموزان تفاوت آماری معنی‌داری را در گرایش آنان به تمرد و سرکشی ایجاد می‌کند. مقایسه میانگین برآورد شده برای رشته‌های تحصیلی مختلف حاکی از آن است که میزان تمرد و سرکشی در دانش‌آموزان رشته ریاضی نسبت به سایر رشته‌های تحصیلی بیشتر است. هم‌چنین نتایج تحلیل واریانس یک طرفه نشان می‌دهد که میزان گرایش به خشونت و درگیری در دانش‌آموزان متعلق به پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا بیشتر است. با توجه به شاخص‌های تشکیل دهنده پایگاه اجتماعی - اقتصادی (تحصیلات والدین، شغل والدین و میزان درآمد ماهیانه خانوار)، این تفاوت مربوط به دانش‌آموزانی است که دارای والدینی با شغل کارمندی و تحصیلات متوسطه و دیپلم هستند. از آن‌جا که احساس تعلق و تعهد به مدرسه، ارتباط و صمیمیت با خانواده، معاشرت با همسالان نابهنجار با خاستگاه خانوادگی و پایگاه افراد ارتباط دارد، لذا جهت پی‌بردن به رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی با متغیرهای مذکور از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شده است. نتایج نشان دهنده آن است که میزان تعهد آموزشی بر حسب تحصیلات والدین متفاوت است و داشتن دوستان منحرف بانوع پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد رابطه دارد. به طوری که میزان تعهد آموزشی در دانش‌آموزان با والدین (پدر) دارای تحصیلات متوسطه و دیپلم نسبت به سایر سطوح تحصیلی کمتر است. هم‌چنین داشتن دوستان منحرف و معاشرت با آن‌ها در دانش‌آموزان دارای والدین با تحصیلات متوسطه قابل توجه است. بنابراین میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار در دانش‌آموزان دارای پایگاه اجتماعی متوسط را به علت ضعف تعهد آموزشی و معاشرت با همسالان نابهنجار می‌توان تلقی نمود. هم‌چنین براساس نتایج حاصل از آزمون تی‌تست و مطابق با اطلاعات جدول (۲) رابطه آماری معنی‌داری بین محل سکونت و گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای نابهنجار وجود دارد. میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار در دانش‌آموزان ساکن روستا در مقایسه با هم‌تایان‌شان که ساکن شهر هستند، کمتر است. از آن‌جا که ارتباط بین والدین و فرزندان در محیط روستایی نسبت به جامعه شهری متفاوت است و فرزندان احساس نزدیکی بیشتری به والدین خود می‌کنند، لذا میزان تعهد خانوادگی در آن‌ها بیشتر بوده و احتمال این که به رفتارهای

نابهنجار روی بیاورند کمتر است. داشتن دوستان منحرف یا کجرو عامل دیگری است که در گرایش دانش‌آموزان به انواع رفتارهای نابهنجار نقش دارد. بر اساس نتایج آزمون تی‌تست، دانش‌آموزانی که دارای دوستان منحرف یا کجرو هستند در مقایسه با دیگر همسالان خود که چنین دوستانی ندارند، میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار در آن‌ها بیشتر است.

جدول شماره (۳): آزمون تفاوت میانگین میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار بر حسب برخی متغیرهای مستقل

متغیرهای پیش‌بین	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	محل سکونت	داشتن دوستان منحرف	رشته تحصیلی	متغیر ملاک
(F)	(F)	(t)	(t)	(F)	
کل	۱/۰۹۹	۵/۰۵۰**	-۵/۶۲۳**	۰/۴۹۲	
روحیه و ندالیتی	۰/۵۶۰	۲/۸۸۸*	-۲/۷۲۵*	۰/۳۵۰	بازرسی
خشونت و درگیری	۳/۶۸۹*	۳/۰۱۲*	-۶/۵۸۱**	۰/۵۵۷	بازرسی
دزدی و تقلب	۰/۹۷۳	۳/۲۱۹*	-۵/۵۰۶**	۱/۹۷۷	بازرسی
تمرد و سرکشی	۰/۹۵۳	۴/۴۵۳**	-۳/۴۸۹**	۳/۲۲۲*	بازرسی

\*\* معنی‌داری در سطح  $P < ۰/۰۰۱$  \* معنی‌داری در سطح  $P < ۰/۰۵$  \* معنی‌داری در سطح  $P < ۰/۰۱$

منبع: (یافته‌های پژوهش)

هم‌چنین جهت تعیین همبستگی بین دیگر متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق که در طرح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. ضرایب همبستگی بین متغیرهای تعهد خانوادگی، تعهد آموزشی، ارتباط و صمیمیت خانوادگی و احساس تبعیض در مدرسه با متغیر گرایش به رفتارهای نابهنجار (کل و شاخص‌ها) حاکی از آن است که بین این متغیرها رابطه آماری معنی‌داری وجود دارد. بر اساس نتایج آزمون پیرسون، جهت همبستگی متغیرهای تعهد خانوادگی، تعهد آموزشی، ارتباط و صمیمیت خانوادگی با گرایش کل و مؤلفه‌های آن مثبت و رابطه بین متغیر احساس تبعیض در مدرسه با متغیر گرایش به رفتارهای نابهنجار منفی است. براساس همین نتایج، با افزایش میزان تعهد آموزشی، میزان تعهد خانوادگی و میزان صمیمیت خانوادگی از میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار هم‌چون رفتارهای خشونت‌آمیز، دزدی و تقلب، تمرد و سرکشی و رفتارهای وندالیستی دانش‌آموزان کاسته می‌شود. چون میزان صمیمیت و ارتباط با خانواده می‌تواند تعهدات خانوادگی و آموزشی را در بین دانش‌آموزان افزایش داده و احتمال گرایش به رفتارهای نابهنجار را در آن‌ها کاهش دهد. از طرف دیگر با افزایش میزان احساس تبعیض در مدرسه، بر میزان بروز رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان به طور قابل ملاحظه‌ای افزوده می‌شود.

جدول شماره (۴): نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

متغیرهای پیش‌بین	سن	تعهد خانوادگی	تعهد آموزشی	صمیمیت خانوادگی	احساس تبعیض در مدرسه
کل	۰/۰۴۴ns	۰/۰۸۵**	۰/۰۴۴**	۰/۰۴۴**	۰/۳۲۸**
روحیه وندالیستی	۰/۰۱۸ns	۰/۳۹۸**	۰/۳۳۲**	۰/۳۱۹**	۰/۲۸۱**
خشونت و درگیری	۰/۱۱۸*	۰/۳۸۴**	۰/۲۴۲**	۰/۳۲۵**	۰/۲۹۹**
دزدی و تقلب	۰/۰۷۶ns	۰/۲۷۰**	۰/۲۶۱**	۰/۱۸۰**	۰/۱۰۹ns
تمرد و سرکشی	۰/۰۰۵ns	۰/۰۴۲۲**	۰/۰۴۶۹**	۰/۰۴۷۱**	۰/۲۹۰**

\*\* معنی‌داری در سطح  $P < 0/01$  \* معنی‌داری در سطح  $P < 0/05$  و ns عدم معنی‌داری

منبع: (یافته‌های پژوهش)

### تحلیل رگرسیون چند متغیره

به منظور بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل لحاظ شده بر متغیر گرایش به رفتارهای نابهنجار، از آزمون رگرسیون چند متغیری بهره گرفته شده است. نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیری گام به گام نشان دهنده آن است که از بین متغیرهای مستقل وارد شده در رگرسیون، متغیرهای تعهد خانوادگی، تعهد آموزشی، داشتن دوستان کجرو و صمیمیت خانوادگی در سطح معنی‌داری  $0/01$  و متغیرهای احساس تبعیض در مدرسه، محل سکونت و پایه تحصیلی با سطح معنی‌داری  $0/05$  رابطه آماری معنی‌داری را با متغیر ملاک نشان می‌دهند. سایر متغیرها هم‌چون عملکرد تحصیلی، تعداد دانش‌آموزان کلاس، سن و بعد خانوار که سطح معنی‌داری آن‌ها بیشتر از  $0/05$  بوده‌اند از مدل خارج شده‌اند. بر اساس ضریب همبستگی چندگانه ( $r=0/678$ ) همبستگی بسیار بالایی بین متغیرهای موجود در مدل رگرسیون وجود دارد. ضریب تعیین تصحیح شده نشان دهنده آن است که این متغیرها  $44/6$  درصد از تغییرات واریانس متغیر ملاک را تبیین می‌کنند.

جدول شماره (۵): تحلیل رگرسیون چند متغیری گرایش به رفتارهای نابهنجار

متغیرهای پیش‌بین	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵	مدل ۶	مدل ۷
	B	B	B	B	B	B	B
مقدار ثابت	۷۵/۲۱	۹۴/۸۸	۸۸/۱۰	۸۹/۸۵	۷۹/۱۴	۷۸/۴۲	۸۰/۴
تعهد خانوادگی	-۲/۸۳	-۱/۹۹	-۱/۸۷	-۱/۴۲	-۱/۴۲	-۱/۴۲	-۱/۱۰
تعهد آموزشی	-۱/۸۲	-۱/۸۹	-۱/۷۹	-۱/۴۲	-۱/۴۲	-۱/۴۲	-۱/۴۲
داشتن دوستان کجرو	۶/۸۴	۷/۱۰	۷/۱۰	۷/۱۰	۷/۱۰	۷/۱۰	۷/۱۰
صمیمیت با خانواده	-۱/۹۲	-۱/۸۵	-۱/۸۵	-۱/۹۷	-۱/۹۷	-۱/۹۷	-۱/۹۲
احساس تبعیض در مدرسه	۰/۱۵۵	۰/۱۵۰	۰/۱۵۰	۰/۱۵۰	۰/۱۵۰	۰/۱۵۰	۰/۱۵۰
محل سکونت (شهر)	۰/۱۵۷	۰/۱۵۷	۰/۱۵۷	۰/۱۵۷	۰/۱۵۷	۰/۱۵۷	۰/۱۵۷
پایه تحصیلی (چهارم)	-۱/۲۳	-۱/۲۳	-۱/۲۳	-۱/۲۳	-۱/۲۳	-۱/۲۳	-۱/۲۳
ضریب همبستگی (R)	۰/۴۸۵	۰/۵۵۵	۰/۶۱۰	۰/۶۴۸	۰/۶۵۴	۰/۶۶۷	۰/۶۷۸
ضریب تعیین ( $R^2$ )	۰/۲۳۵	۰/۳۰۸	۰/۳۷۲	۰/۴۰۷	۰/۴۱۶	۰/۴۲۰	۰/۴۲۶
$R^2$ تصحیح شده	۰/۲۳۲	۰/۳۰۴	۰/۳۶۶	۰/۳۹۸	۰/۴۰۷	۰/۴۱۱	۰/۴۱۶
ضریب F	۸۶/۹۲۸	۶۲/۸۲۱	۵۵/۵۶۲	۴۷/۹۸۴	۴۷/۹۸۴	۴۷/۹۸۴	۴۷/۹۸۴

نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره متغیرهای موجود در مدل رگرسیون را می‌توان به شکل ذیل

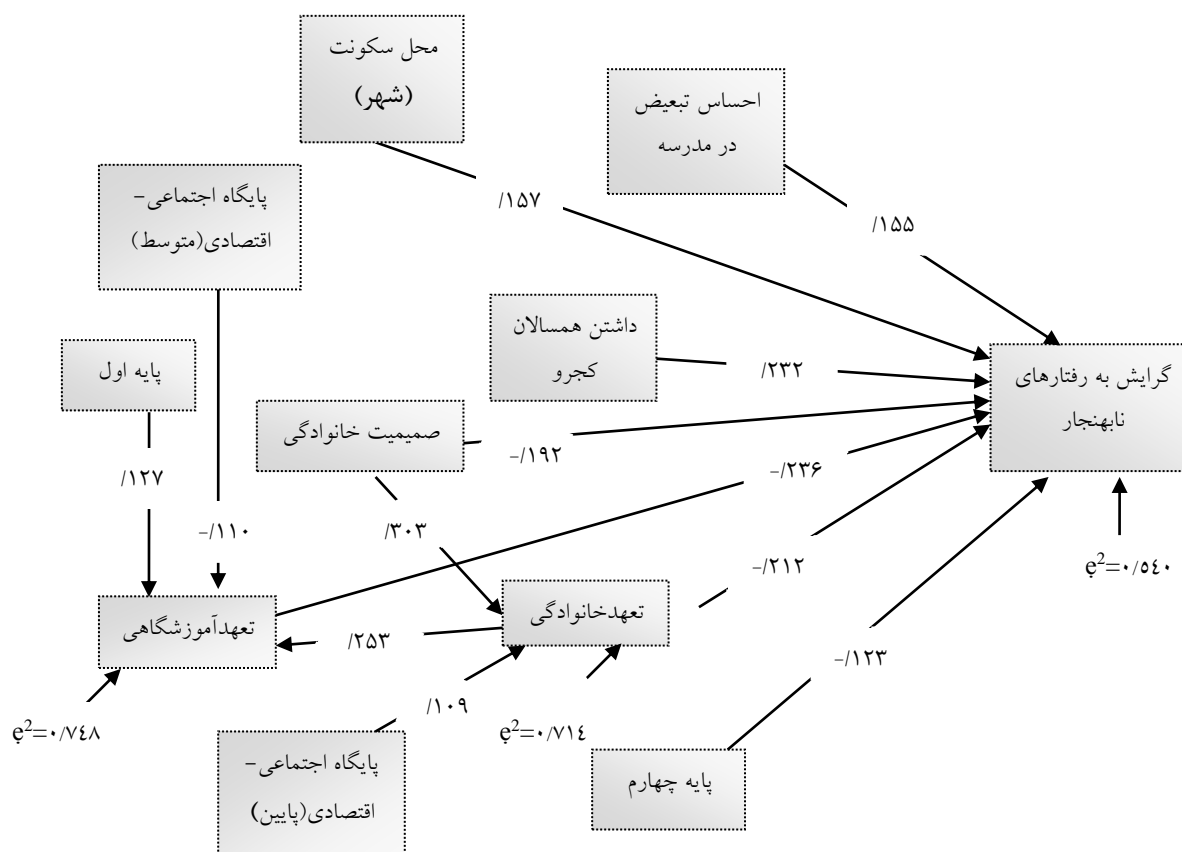
نوشت:

$$+۶/۱۷ \text{ (میزان تعهدآموزشگاهی)} - ۱/۴۵ \text{ (میزان تعهدخانوادگی)} - ۱/۱۵ - ۸۰/۳ = \text{میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار}$$

$$+۵/۸۲ \text{ (میزان احساس تبعیض در مدرسه)} + ۰/۵۶۶ \text{ (میزان صمیمیت خانوادگی)} - ۰/۵۴۰ \text{ (داشتن همسالان منحرف)}$$

$$+e \text{ (پیش‌دانشگاهی)} - ۴/۷۹ \text{ (محل سکونت)}$$

جهت تبیین دقیق‌تر هر یک از ابعاد چهارگانه گرایش به رفتارهای نابهنجار بامتغیرهای مستقل اجتماعی و فردی، چهار رگرسیون جداگانه اعمال شده است. از مقایسه نتایج حاصل از رگرسیون‌های اعمال شده چند نکته حائز اهمیت است: متغیرهای تعهد خانوادگی، تعهد آموزشگاهی، صمیمیت خانوادگی، احساس تبعیض در مدرسه، محل سکونت و دوستان منحرف با هر چهار بعد رابطه معنی‌داری نشان دادند. متغیر رشته تحصیلی (ریاضی) با بعد گرایش به تمرد و سرکشی رابطه مثبت معنی‌دار و متغیر پایه تحصیلی (پیش‌دانشگاهی) با بعد گرایش خشونت و درگیری رابطه منفی معنی‌داری داشتند. در رگرسیون اعمال شده بر بعد دزدی و تقلب، مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار که ۱۱ درصد گرایش به دزدی و تقلب را تبیین می‌کند، دوستان منحرف یا کجرو هست. هم‌چنین براساس رگرسیون اعمال شده عوامل اجتماعی برمتغیر گرایش به رفتارهای نابهنجار که بیشترین بتا برای متغیرهای تعهد آموزشگاهی و تعهد خانوادگی به دست آمده است، این متغیرها به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شدند و رگرسیون‌های جداگانه‌ای روی آن‌ها انجام شده است. با توجه به کمیت خطای محاسبه شده این متغیرها، میزان واریانس تبیین شده متغیرهای تعهد آموزشگاهی، تعهد آموزشگاهی و متغیر گرایش به رفتارهای نابهنجار توسط متغیرهای مستقل نشان داده شده است (به دلیل اشغال فضای بیشتر، به ناچار از آوردن جداول مربوطه خودداری گردیده است). با استناد به رگرسیون‌های صورت گرفته می‌توان مدل تحلیلی نظری به شکل ذیل ارائه نمود.



نمودار شماره (۱): مدل تحلیل مسیر

طبق نتایج به دست آمده مؤثرترین متغیرها بر میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار به ترتیب متغیرهای تعهد خانوادگی با اثر کلی ۰/۲۷۱-، صمیمیت خانوادگی با ۰/۲۵۶-، تعهد آموزشی با ۰/۲۳۶-، متغیر ۰/۱۵۵ و متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی متوسط و پایین به ترتیب با اثر کلی ۰/۲۵ و -۰/۰۲۳ دارای تأثیر قابل توجهی بر میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان شناخته شدند.

جدول شماره (۶): مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیرهای مستقل	اثرات مستقیم	اثرات غیر مستقیم	اثرات کلی
تعهد خانوادگی	-۰/۲۱۲	-۰/۰۵۹۷	-۰/۲۷۱
تعهد آموزشی	-۰/۲۳۶	-	-۰/۲۳۶



۰/۲۳۲	-	۰/۲۳۲	داشتن همسالان کجرو
-۰/۲۵۶	-۰/۰۶۴۲	-۰/۱۹۲	صمیمیت خانوادگی
۰/۱۵۵	-	۰/۱۵۵	احساس تبعیض در مدرسه
۰/۱۵۷	-	۰/۱۵۷	محل سکونت(شهر)
-۰/۰۳۰	-۰/۰۳۰	-	پایه تحصیلی اول
-۰/۱۲۳	-	-۰/۱۲۳	پیش‌دانشگاهی
-۰/۰۲۳	-۰/۰۲۳	-	پایگاه اجتماعی- اقتصادی
۰/۰۲۵	۰/۰۲۵	-	متوسط

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای ناهنجار انجام گرفته است. نتایج نشان دهنده آن است که میزان گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای ناهنجار در حد متوسط بوده است. اغلب رفتارهای ناهنجاری که از دانش‌آموزان سر می‌زند و بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند در قالب درگیری لفظی و فیزیکی در مدرسه، رو در روی والدین ایستادن، آرایش کردن موقع بیرون رفتن از خانه و بی‌احترامی به معلمان است. این امر نشان می‌دهد که دانش‌آموزان مورد مطالعه، هم در مدرسه و بیرون از مدرسه به انجام برخی رفتارهای ناهنجار تمایل دارند.

مهم‌ترین متغیرهایی که در تحقیق حاضر، رابطه آن‌ها با متغیر ملاک مورد بررسی قرار گرفته است، عبارتند از: سن، عملکرد تحصیلی، محل سکونت، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، پایه و رشته تحصیلی، تعهد آموزشی و خانوادگی، صمیمیت خانوادگی و احساس تبعیض در مدرسه.

نتایج حاصل از تحلیل‌های دو متغیره حاکی از آن است که با افزایش سن از میزان گرایش به رفتارهای خشونت‌آمیز کاسته می‌شود. ولی در تحلیل رگرسیون با وارد شدن همزمان متغیرها، متغیر سن از مدل رگرسیون خارج گردید. با توجه به رابطه منفی معنی‌داری که در تحلیل رگرسیون بین پایه تحصیلی (پیش‌دانشگاهی) و گرایش به رفتارهای مشاهده شده است، می‌توان ادعا نمود که رابطه بین سن و گرایش به رفتارهای ناهنجار یک رابطه کاذب بوده و این معنی‌داری مربوط به پایه تحصیلی است نه متغیر سن. از طرف دیگر هرچند براساس نتایج برآمده از تحلیل واریانس یک طرفه، رشته تحصیلی دانش‌آموزان تفاوت آماری معنی‌داری را در گرایش آنان به تمرد و سرکشی ایجاد می‌کند ولی در تحلیل چند متغیره رابطه معنی‌دار بین رشته تحصیلی و گرایش کل ملاحظه نشده است. همچنین عدم وجود رابطه معنی‌دار بین عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان میزان آنان به رفتارهای ناهنجار را می‌توان به همسانی نمرات دانش‌آموزان مورد مطالعه دانست. چون اکثر دانش‌آموزان در دامنه بالاتر از میانگین قرار گرفته‌اند. محل سکونت یکی دیگر از متغیرهایی است که بر میزان گرایش به رفتارهای ناهنجار تأثیرگذار بوده است. طبق نتایج برآمده از تحلیل دو متغیره و چند متغیره، دانش‌آموزانی که در شهر ساکن هستند نسبت به هم‌تایان روستایی خود، تمایل بیشتری به انجام رفتارهای ناهنجار دارند. معمولاً در محیط روستایی والدین نظارت و کنترل بیشتری بر رفتار فرزندان‌شان دارند. این عامل که از نظر نای همان نظارت غیرمستقیم است، به

این صورت شکل می‌گیرد که نوجوان به دلیل بستگی و وابستگی عاطفی که به خانواده خود دارد مطابق با میل آن‌ها رفتار کند و کاری نکند که باعث رنجش و ناراحتی آن‌ها شود. بنابراین طبق نظر نای، نوجوانانی که به والدین و خانواده خود وابستگی بیشتری دارند کمتر به رفتارهای انحرافی از جمله خشونت روی می‌آورند.

مطابق با نتایج بر آمده از تحلیل دو متغیره، بین میزان صمیمت خانوادگی، تعهد خانوادگی و تعهد آموزشی با میزان گرایش به رفتارهای ناهنجار دانش‌آموزان رابطه آماری معنی‌داری ملاحظه شده است. هم‌چنین تحلیل رگرسیونی، نشان از وجود رابطه آماری معنی‌دار بین این متغیرها با گرایش به رفتارهای ناهنجار دانش‌آموزان دارد. ضرایب‌بتای استاندارد نشان‌دهنده آن است که متغیر تعهد آموزشی با بتای  $0/۲۳۶-$  بیشترین همبستگی منفی را با متغیر ملاک داشته است. براساس تحلیل مسیر هم، متغیر صمیمت خانوادگی از طریق تعهد آموزشی و تعهد خانوادگی بر متغیر ملاک تأثیرگذار است. تئوری پیوند اجتماعی هیرشی بر این پیش فرض استوار است که ضعف تعهد اجتماعی منجر به افزایش انحرافات اجتماعی و بزهکاری می‌گردد. هیرشی معتقد است، بزهکاران به احتمال بسیار کمی تعلقات خاطر نزدیکی نسبت به والدین‌شان دارند و دانش‌آموزانی که تعلقات خاطر بالایی نسبت به مدرسه دارند احتمال کمتری می‌رود که به رفتار بزهکارانه مبادرت ورزند. با افزایش میزان صمیمیت و ارتباط خانوادگی بر تعهد خانوادگی و تعهد آموزشی دانش‌آموزان افزوده شده و از میزان گرایش به رفتارهای ناهنجار کاسته می‌شود. یافته‌های برخی از مطالعات پیشین (مهدوی و عباسی، ۱۳۸۷؛ آقازاده، ۱۳۸۹؛ علی‌وردی‌نیا و آرمان مهر، ۱۳۸۶؛ جلالی‌پور و حسینی‌نثار، ۱۳۸۷؛ معیدفر و اسفندآبادی، ۱۳۹۱؛ جنکینز، ۱۹۹۷؛ پوپ و آنتونی، ۲۰۱۲؛ هنگ و وینگ، ۲۰۱۳) نشان داده است که صمیمت خانوادگی، تعهد و تعلق به خانواده و محیط آموزشی رابطه منفی معنی‌داری با میزان ناهنجاری‌های رفتاری و بزهکاری دانش‌آموزان و نوجوانان نشان داده‌اند. بنابراین نتایج تحقیق حاضر، با یافته‌های مطالعات فوق همخوانی دارد.

یکی دیگر از نتایج تحقیق حاضر، وجود رابطه معنی‌دار بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی با گرایش به رفتارهای ناهنجار دانش‌آموزان است. بر اساس تحلیل دو متغیره، میزان گرایش به خشونت و درگیری در دانش‌آموزان متعلق به پایگاه اجتماعی - اقتصادی متوسط بیشتر است. با توجه به شاخص‌های تشکیل دهنده پایگاه اجتماعی - اقتصادی (تحصیلات والدین، شغل والدین و میزان درآمد ماهیانه خانوار)، این تفاوت مربوط به دانش‌آموزانی است که دارای والدینی با شغل کارمندی و تحصیلات متوسطه و دیپلم هستند. در تحلیل چند متغیره هم این رابطه معنی‌دار شده است. با این تفاوت که میزان گرایش به رفتارهای ناهنجار در دانش‌آموزان متعلق به پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین کمتر و در پایگاه متوسط بیشتر است. با توجه به تحلیل مسیر، پایگاه اجتماعی - اقتصادی به طور مستقیم بر متغیر گرایش به رفتارهای ناهنجار تأثیر نمی‌گذارد بلکه از طریق متغیرهای تعهد آموزشی و تعهد خانوادگی بر متغیر ملاک تأثیرگذار

است. بر اساس مدل تحلیل مسیر، میزان تعهد آموزشی در دانش‌آموزان متعلق به پایگاه اجتماعی-اقتصادی متوسط کمتر است، لذا گرایش به رفتارهای ناهنجار در آن‌ها بیشتر مشاهده می‌شود. اما در دانش‌آموزان متعلق به پایگاه پایین، چون تعهدات خانوادگی بیشتر است، لذا گرایش به رفتارهای ناهنجار در آن‌ها کمتر است. هر چند فرض مورد قبول اکثر محققان این است که میزان گرایش به رفتارهای ناهنجار و بزهکاری در دانش‌آموزان متعلق به طبقات متوسط بیشتر از طبقات پایین است. ولی در مطالعه حاضر، میزان پای‌بندی به تعهدات خانوادگی و آموزشی به عنوان متغیر میانی نقش مهمی را ایفا کرده‌اند.

با توجه به نتایج حاصل از روابط دو متغیره میزان گرایش به رفتارهای ناهنجار در دانش‌آموزانی که دارای همسالان منحرف یا کجرو هستند، بیشتر است. در تحلیل چند متغیره هم این رابطه معنی‌دار شده است. گرایش به دزدی و تقلب بعدی از رفتارهای ناهنجار است که درصدی از واریانس آن توسط دوستان منحرف تبیین می‌شود. هر چند در تئوری پیوند افتراقی ساترلند، میزان و شدت ارتباط و تماس با دوست بزهکار مهم تلقی گردیده است. ولی در مدرسه معمولاً دانش‌آموزان بیشترین اوقات خود را با همسالان خود می‌گذرانند و وجود چنین همکلاسانی در محیط آموزشی ناخود آگاه بر معاشرت بین آن‌ها منتهی می‌گردد و در اثر این تماس‌های مکرر، انواع رفتارهای مغایر با قوانین مدرسه و خانواده از طریق همین دوستان به همدیگر آموخته می‌شود. براین اساس، میزان معاشرت با همسالان و دوستانی که به هرنحوی رفتارهای ناهنجار از خود نشان می‌دهند با میزان یادگیری رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان دیگر در ارتباط است. مطالعات (اگنیو، ۱۹۹۲؛ حیدری چروده، ۱۳۸۳ و آقازاده، ۱۳۸۹) نشان داده است که فشار دوستان بزهکار، معاشرت با دوستان بزهکار و مدت زمان صرف شده با دوستان بزهکار و همچنین الگوهای رفتاری بزهکارانه ارائه شده توسط بزهکاران مخصوصاً دوستانی که دارای رفتار بزهکارانه شدید هستند، متغیرهایی هستند که در تعامل با یکدیگر، جوانان را به سمت بزهکاری تشویق می‌کنند و همبستگی معنی‌داری بین مجموعه متغیرهای مذکور با رفتار بزهکارانه جوانان به دست آمده است.

یکی دیگر از نتایج تحقیق، وجود رابطه معنی‌دار بین متغیرهای احساس تبعیض در مدرسه و گرایش به رفتارهای ناهنجار دانش‌آموزان است. نظریه فشار بیانگر بی‌سازمانی اجتماعی در جامعه است. طبق این دیدگاه تخلف ناشی از سرخوردگی است و سرخوردگی نیز معلول فقدان فرصت‌ها برای پیشرفت است. به عبارت دیگر منبع و منشأ اصلی تخلف در مدارس فشار ایجاد شده از سوی معلمین و مسئولین مدارس بر دانش‌آموزان است. منبع فشار از سوی معلمین را می‌توان در ارزیابی منفی از دانش‌آموزان و تعامل منفی اولیای مدارس دانست که این امر بر نوع نگرش دانش‌آموزان به محیط مدرسه تأثیر خواهد گذاشت. نتایج مطالعه حاضر با یافته‌های پژوهشی اگنیو، ۱۹۹۲، مایر و دیگران ۲۰۰۲؛ علی وردی‌نیا، ۱۳۸۶ نشان می‌دهند که محیط مدرسه و نوع برخورد مسئولین با دانش‌آموزان، ارتباط مستقیمی با رفتار خراب‌کارانه آن‌ها دارد.

براساس همین نتایج، تئوری فشار عمومی مرتون - کوهن - دورکیم، نظریه کنترل اجتماعی هیرشی و پیوند افتراقی ساترلند جهت تبیین مدل تحلیلی ارائه شده مناسب هستند.

### پیشنادهای پژوهشی

به دیگر محققانی که تمایل دارند در زمینه ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان پژوهشی انجام دهند پیشنهاد می‌گردد به موارد ذیل بپردازند:

- جهت موشکافی بیشتر گرایش به رفتارهای نابهنجار ابعاد آن را با عنوان رفتارهای وندالیستی، خشونت و درگیری، دزدی و تقلب و تمرد و سرکشی بررسی کنند.
- همچنین پیشنهاد می‌گردد که میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار در بین دانش‌آموزان دختر و پسر و در مقاطع تحصیلی مختلف مورد مقایسه قرار گیرد.

### پیشنادهای کاربردی

- برقراری روابط عاطفی بین والدین و فرزندان در خانواده ضروری است، چون که صمیمیت خانوادگی بر میزان تعهد اجتماعی دانش‌آموزان در ابعاد خانوادگی و آموزشگاهی افزوده و احتمال بروز رفتارهای نابهنجار را در دانش‌آموزان کاهش می‌دهد.
- نظارت و کنترل رفتار فرزندان در بیرون از خانواده و کنترل رفت و آمد آن‌ها که با چه اشخاصی معاشرت دارند.
- جلوگیری از هرگونه تبعیض بین دانش‌آموزان در مدرسه، چرا که احساس تبعیض و ارزیابی منفی معلمان از دانش‌آموزان احساس بی‌عدالتی را در آن‌ها افزایش داده و این امر زمینه بروز رفتارهای نابهنجار را در دانش‌آموزان مهیا می‌کند. بنابراین لازم است معلمان در برخورد با دانش‌آموزان روش‌های صحیحی را به کار گیرند تا بتوانند اعتماد آن‌ها را جلب نمایند.

### منابع

- آقازاده، غ. ح. (۱۳۸۹). بررسی عوامل خانوادگی و درون مدرسه‌ای مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر مراغه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام نور مرکز احمدی، ح. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، نشر سمت.
- جمشیدی، ا. (۱۳۸۰). بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر خراب‌کاری اموال عمومی به وسیله دانش‌آموزان شهر تهران. شورای تحقیقات اداره آموزش و پرورش تهران.
- حیدری‌چروده. (۱۳۸۳). بررسی میزان و علل ناهنجاری‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی استان خراسان. مجله علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد). سال اول، شماره اول، صص ۱۷۲-۱۴۹.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۸). آنومی یا آسفتگی اجتماعی پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در تهران. تهران: انتشارات سروش.

- ستوده، ه. (۱۳۷۸). **آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)**. تهران: انتشارات آوای نور.
- سختوت، ج. (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان. **مجله جامعه‌شناسی ایران**. سال چهارم، شماره ۲، صص ۷۶-۵۵.
- سلیمی، ع؛ و دیگری. (۱۳۸۰). **جامعه‌شناسی کجروی**. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه. چاپ اول.
- سیگل، ل؛ و دیگری. (۱۳۸۱). **بزهکاری نوجوانان**. ترجمه: ع، ا، تاج مزینانی و دیگری. تهران: سازمان ملی جوانان.
- شاطریان، م؛ و دیگران. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان، مطالعه موردی شهرستان آران و بیدگل. **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**. سال پنجم، شماره سوم، صص ۱۳۵-۱۲۳.
- شیخاوندی، د. (۱۳۷۳). **جامعه‌شناسی انحرافات: آسیب‌شناسی جامعه‌ی**. تهران: نشر مردنیز. چاپ اول.
- صدیق‌سروستانی، ر، ا. (۱۳۸۶). **آسیب‌شناسی اجتماعی (انحرافات اجتماعی)**. تهران: انتشارات سمت. چاپ اول.
- عباسی‌اول، ک. (۱۳۹۱). عصر تغییرات سریع؛ بررسی ناهنجاری‌های اجتماعی در مدارس و ارائه راهکارهای عملی. **روان‌شناسی (رشد مشاور مدرسه)**. دوره هفتم، شماره ۴، صص ۳۵-۳۲.
- علمی، م؛ و دیگری. (۱۳۸۷). تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه عجب‌شیر). **مجله جامعه‌شناسی**. سال اول، شماره اول، صص ۴۲-۳۳.
- فتح‌اللهی، س؛ و دیگران. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر بزهکاری و میزان شیوع آن در بین دانش‌آموزان. **فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی**. سال هفتم، شماره سوم، صص ۸۸-۶۱.
- کرباسی، م. (۱۳۷۴). **بررسی مشکلات و راه‌حل‌های رفتاری دانش‌آموزان مدارس راهنمایی استان همدان**. پایان‌نامه دوره دکتری. کوزر، ل. (۱۳۷۰). **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی**. ترجمه: م، ثلاثی. تهران: انتشارات علمی. چاپ سوم.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۴). **جامعه‌شناسی**. مترجم: م، صبوری. تهران: نشر نی. چاپ بیست و ششم.
- مساواتی‌آذر، م. (۱۳۷۴). **آسیب‌شناسی اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی انحرافات)**. تبریز: انتشارات نوبل. چاپ اول.
- ممتاز، ف. (۱۳۸۱). **انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها**. تهران: شرکت سهامی انتشار. چاپ اول.
- Agnew, R. (1995). "Strain and Subculture Theories of Criminology" in Joseph F. Sheley, **Criminology**. 2nd ed, Belmont, California: Wadsworth.
- Ball, Joanna. (2005). **The Moderating Effect of Family Factors on the Relationship Between Lifetime Trauma. Event Exposure and Juvenile Delinquency in a Sample of Male Juvenile Offenders**, Dissertation P.H.D., Georgia State University.
- Booth, Jeb A, Amy Farrell and Sean P. Varano. (2008). Social Control, Serious Delinquency, and Risky Behavior: A Genderd Analysis, **Crime & Delinquency**, Originally Published onlin 26 February, **Sage publication**.
- Carswell, Stevven B. (2005). **Pathways to Delinquency: The Role of Parental Attachment, Family Socio- Economic Status, and Deviant Peer Relationship in Risk Behaviors and Delinquency Among Urban African- American Middle School Students**, Dissertation P.H.D., The American University.
- Heng, C. O. C, Wing, H., C. (2013). Social Bonds and School Bullying: A Study of Macanese Male Adolescents on Bullying Perpetration and Peer Victimization, **Child & Youth Care Forum. (Journal of Reaserch and Practice in Children, Services)**. V. 42, N. 6, P.p: 599-613.
- Jenkins, P. (1997). "School delinquency and the school social bond." **Journal of Research in Crime and Delinquency**. V. 34, P.p: 337-367.
- Leiber, Michael J., Kristin Y. Mack and Richard A. Featherston. (2008). Family Structure, Family Processes. Economic Factor and Delinquency: Similarities and Defferences by Race and Ethnicity, **Sage publication**.
- Siegel, I. J. (2001). **Criminology: Theories, Patterns and Typologies**. U.S. A.: Wadsorth.